



به عمل کار برآید...

مروری بر نرخ ارز و بکسان سازی آن

محمدحسین دانایی

بودجه، رشد تولید ملی، کاهش سیل کالاهای وارداتی غیرضروری و افزایش صادرات غیرنفتی بود. اما در عمل دیده شد که این نظام چند نرخ، یک نظام ارزی کارآمد و پایدار نیست و نه تنها موجب «تخصیص بهینه منابع» نمی‌شود، بلکه تبعات منفی و پیامدهای ناگواری دارد، از جمله وابسته شدن بخش تولید به منابع ارزی یارانه‌ای و ایجاد بستر برای سفته‌بازی و تقلب و رانت‌خواری از طریق خرید ارز ارزان و انباشته شدن ثروت‌های بادآورده و کلان. آری، اقتصاد ملی برای انجام این آزمون، هزینه‌های گزافی را پرداخت تا سرانجام همگی پذیرفتند که نظام چندنرخ ارز یک واکنش انفعالی در برابر مشکلات اقتصادی و سیاسی بوده و عامل بسیار مهمی است در به هم ریختن نظم اقتصادی کشور و انحراف از الگوی «تخصیص بهینه منابع».

به دست آوردن این تجربه موجب شد که دولت ضمن تنظیم لایحه برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، موضوع حذف نظام چند نرخ را پیش‌بینی کند و سپس براساس مفاد بند «ث» تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۰ کل کشور مقرر شد که دولت در نیمه اول سال ۱۳۸۰ مطالعات

شدت کاهش داد. این روند موجب شد که نرخ برابری دلار آمریکا با ریال در سال ۱۳۶۵ به حدود ۱۰۰۰ ریال برسد، یعنی طی هشت سال ۱۴ برابر، البته در سال ۱۳۶۷ با قبول آتش بس از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران، نرخ برابری دلار آمریکا با ریال به ۵۰۰ ریال کاهش یافت، اما بلافاصله و به سرعت به رقم قبلی ۱۰۰۰ ریال برگشت. سپس در سال ۱۳۷۱ به ۱۷۵۰ ریال، در سال ۱۳۷۲ به ۲۷۵۰ ریال و در اوایل سال ۱۳۷۴ به ۷۰۰۰ ریال رسید. در این مرحله، با تثبیت نرخ ارز یک بار دیگر این رقم به حدود ۳۸۰۰ تا ۴۲۰۰ ریال کاهش یافت، اما باز سیر صعودی قبلی را پی گرفت و آمد و آمد تا در سال جاری به حدود ۸۰۰۰ ریال رسید، یعنی ۱۱۴ برابر طی ۲۳ سال.

همزمان با این جریان‌ات، برای حمایت از بعضی از بخش‌های اقتصادی و تشویق بعضی از صنایع، نظام چند نرخ ارز در پیش گرفته شد، یعنی بخش‌ها و صنایع گوناگون ارز مورد نیاز خود را با نرخ‌های متفاوت به دست می‌آوردند و جالب توجه این‌که در دوره‌های زمانی خاص، پول ملی ایران با شش یا هفت نرخ برابری متفاوت مبادله می‌شد! برخی از اهداف عمده این سیاست هم رفع مشکلات تواز پرداخت‌ها، بهبود وضعیت

در سپهر عدالت «هر چیز به جای خویش نیکوست». مصداق این مفهوم در ادبیات اقتصادی «تخصیص بهینه منابع» است.

تخصیص بهینه منابع، لازمه توسعه اقتصادی و افزایش سطح رفاه اجتماعی است. یکی از این منابع، پول خارجی یا ارز است و ابزار تخصیص آن به بخش‌های مختلف هم سیاست‌های نرخ ارز یا نرخ برابری ارز با پول ملی است.

در سال‌های قبل از انقلاب، ارزش یک دلار آمریکا بین ۶۸/۵ تا ۷۱/۵ ریال در نوسان بود. البته بسیاری از صاحب‌نظران کشور در آن سال‌ها با این نرخ موافق نبودند و برای تسریع حرکت صنعتی شدن کشور نرخی در حدود ۱۰۰ تا ۱۱۰ ریال را پیشنهاد می‌کردند. ولی هرگز در این زمینه توافق نظری حاصل نشد و محاسبه دقیقی هم برای تعیین نرخ مطلوب دلار به عمل نیامد.

اما پس از وقوع انقلاب اسلامی، ارزش دلار و ارزهای دیگر روبه افزایش نهاد و دولتمردان عمدتاً برای تأمین درآمدهای مورد نیاز دولت به آسانترین - و البته بدترین - وسیله متوسل شدند و آنهم افزایش نرخ ارز بود که در نتیجه، ارزش پول ملی را به

مربوط به یکسان‌سازی نرخ ارز را انجام دهد و مقدمات قانونی و امکانات اداری و مالی لازم برای آن را فراهم آورد و بودجه سال ۱۳۸۱ را هم بر اساس نرخ یکسان شده ارز تنظیم کند. اما چون تجربه سال ۱۳۷۲ در مورد تک‌نرخ شدن ارز باعث افزایش بدهی دولت به بانک‌ها و مایه‌گذاشتن از محل حساب ذخیره تمهیدات ارزی و بسط پایه پولی و تحمیل موج تازه‌ای از تورم شده بود، لذا قانون بودجه سال ۱۳۸۰ برای دور جدید یکسان‌سازی نرخ ارز شرایطی را به شرح زیر مقرر کرد: اولاً، بدهی دولت به بانک‌ها زیاد نشود؛ ثانیاً، نرخ کالاهای اساسی و خدماتی که ارز مورد نیاز برای تأمین آنها با نرخ رسمی تأمین شده است، افزایش نیابد؛ ثالثاً، بودجه دولت از لحاظ درآمد و هزینه از حالت تعادل خارج نشود؛ رابعاً، نظام تعرفه‌های بازرگانی از نوسانات شدید مصون بماند؛ و سرانجام، سیاست‌هایی اتخاذ شود که هم تولیدات ملی افزایش یابد و هم صادرات غیرنفتی - مجموعه‌ای از کارهای کارستان!

به دنبال این مصوبات، کمیته یکسان‌سازی نرخ ارز در ستاد اقتصادی دولت تشکیل شد تا مقدمات اجرای این تصمیم را فراهم آورد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی هم پس از بررسی ابعاد و روش‌ها و پیامدهای این موضوع، بر سر جزئیات آن به توافق رسیدند، به نحوی که دور جدید یکسان‌سازی نرخ ارز موجب ایجاد بدهی دولت به بانک‌ها نشود، پرداخت مابه‌التفاوت قیمت ارز با قیمت روز در مورد واردات کالاهایی که در سال‌های گذشته با ارزهای ۱۷۵۰ ریالی و ۳۰۰۰ ریالی گشایش اعتبار شده‌اند و سررسید آنها در سال ۱۳۸۱ و بعد از آن فرا خواهد رسید، به نحوی باشد که گشایش‌کننده اعتبار مجبور به پرداخت این مابه‌التفاوت به دولت نشود، مابه‌التفاوت نرخ کالاهای اساسی که با ارز ۱۷۵۰ ریالی وارد می‌شوند با قیمت روز، به

صورت ریالی در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ پیش‌بینی شود تا قیمت کالاهای اساسی افزایش نیابد، با یکسان‌سازی نرخ ارز مزیت اقتصادی تولید برخی از کالاهایی که از ارز ارزان استفاده می‌کنند، از بین نرود، صادرات کالاهای غیرنفتی در پنج سال اول اجرای نظام یکسان شده نرخ ارز با کاهش چشمگیر مواجه نشود، و به علاوه، برای جبران کاهش گریزناپذیر درآمد کشور از محل صادرات غیرنفتی، چاره‌ای اندیشیده شود - ایضاً پاسخی مناسب برای آن مصوبات، به نحوی که "آنچنان را آنچنان‌تر می‌کند"!

به هر حال، با این مقدمات، بخشنامه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد و سه هدف بزرگ را نیز به طور همزمان در خود جای داد: هدفمند کردن یارانه‌ها، تغییر نظام بودجه‌ریزی کشور و سرانجام، بحث داغ یکسان‌سازی نرخ ارز. و به قرار اطلاع، در لایحه بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور هم چند گزینه مختلف برای نرخ ارز در نظر گرفته شده است که بین ۶۹۰۰ ریال تا ۷۹۰۰ ریال نوسان دارد.

بدین ترتیب، در یک مانور هماهنگ، قوه مقننه با شجاعت تصمیم گرفته است که مملکت را از شو نظام چندنرخ ارز نجات دهد و یکسان‌شدن نرخ ارز را به صورت تکلیف قانونی بر عهده دولت گذاشته است. دولت هم به نوبه خود متهورانه نشان داده است که قادر و آماده اجرای این مصوبه است. صاحب‌نظران هم با شجاعت به تحسین پرداخته‌اند و اعلام کرده‌اند که اجرای این تکلیف، ضمن متعادل کردن اقتصاد کشور، فضای سرمایه‌گذاری را شفاف خواهد کرد و زمینه‌های رانت‌خواری را از بین خواهد برد و روند تخصیص ارز را بهینه خواهد کرد. بنابراین، جا دارد که در عصر ابراز شجاعت‌ها، از فرصت استفاده کنیم و با انگشت گذاشتن بر چند نکته، ریشه همه نابسامانی‌های اقتصادی را «یکجا» بخشکانیم

و به جای آن، بذر «تخصیص بهینه منابع» را بکاریم. و اما آن چند نکته:

(۱) سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز به موفقیت نمی‌انجامد مگر اینکه سیاست‌های پولی - ضمن استقلال - با سیاست‌های مالی هماهنگ شوند.

(۲) گرچه در سال‌های پیش از انقلاب انگیزه یا فرصت لازم برای محاسبه دقیق نرخ مطلوب ارز فراهم نیامد، این بار این موضوع از نظر دور نماند و تریبی داده شود که با مطالعات دقیق و تعیین نسبت اقتصاد ایران با سایر کشورهای دنیا، یک سیستم و رژیم ارزی مناسب و نرخ مبادله مطلوب و موجه به دست آید تا گردونه یکسان‌سازی در نیمه راه نماند.

(۳) برای پرهیز از بروز بحران در اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، به ویژه در شرایطی که قیمت جهانی نفت و به دنبال آن، میزان ذخایر ارزی دولت دچار نوسان می‌شود، از پوشش‌های حمایتی استفاده شود، به نحوی که نرخ ارز از مسیر صحیح خود خارج نشود.

(۴) برای اینکه روند خصوصی‌سازی نیز دچار اختلال و رکود نشود، هماهنگی لازم بین سیاست‌های پولی و مالی بوجود آید. ■

